

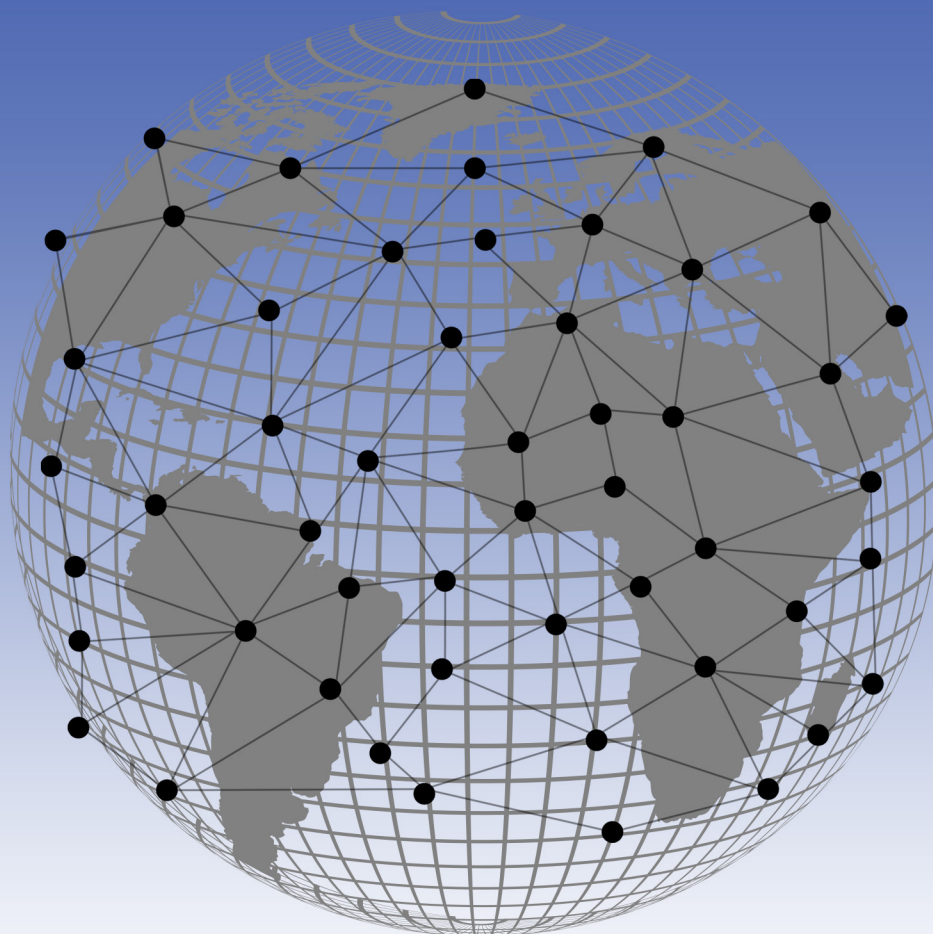


مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

پایش تحولات تجارت جهانی (گزارش شماره صد و نه)

در این شماره می‌خوانید:

- پیشنهاد اعمال تعرفه بر شرکای تجاری روسیه
- گفت‌وگوی صنعتی عربستان و ایرباس
- تعدیل پیش‌بینی رشد اقتصادی چین در پی تنش‌های تعرفه‌ای
- تسویه بدهی‌های سوریه توسط عربستان و قطر



اردیبهشت ۱۴۰۴

شناسنامه گزارش



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

عنوان:

پایش تحولات تجارت جهانی
(گزارش شماره صد و نه)

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده‌پژوهی

تاریخ انتشار: اردیبهشت ۱۴۰۴

واژه‌های کلیدی: تعرفه، برنامه ساخت چین ۲۰۲۵، انرژی‌های پاک، صنعت هوانوردی، درآمد‌های نفتی روسیه

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

فهرست مطالب

۵	تحولات جهانی
۱۱	تحولات منطقه‌ای
۲۲	پژوهش‌های تازه

تحولات جهانی

طرح سنای ایالات متحده برای اعمال تعرفه‌های سنگین بر شرکای تجاری روسیه

در اقدامی با هدف تشدید فشار اقتصادی بر مسکو به دلیل تداوم جنگ در اوکراین، سنای ایالات متحده با حمایت قاطع دوحزبی، لایحه‌ای را پیشنهاد کرده است که تهدید به اعمال تعرفه سرسام‌آور ۵۰۰ درصدی بر واردات از کشورهایی می‌کند که به خرید نفت، گاز یا اورانیوم از روسیه ادامه می‌دهند. این اقدام جسورانه، که در صورت تصویب و اجرا می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای بازارهای جهانی انرژی، روابط بین‌الملل و سیاست خارجی ایالات متحده به همراه داشته باشد، با هدف قطع شریان‌های مالی حیاتی اقتصاد جنگی روسیه طراحی شده است.

این لایحه، که جزئیات دقیق آن همچنان در دست بررسی است، بر اصل «اهرم اقتصادی» استوار است. با افزایش تصاعدی هزینه واردات کالاها از کشورهایی که به تجارت انرژی با روسیه ادامه می‌دهند، قانون‌گذاران آمریکایی امیدوارند این کشورها را به بازنگری در روابط تجاری خود با مسکو و جست‌وجوی منابع جایگزین انرژی ترغیب کنند. تعرفه پیشنهادی ۵۰۰ درصدی، به‌طور بالقوه می‌تواند جریان‌های تجاری موجود را مختل کرده و رقابت‌پذیری کالاهای این کشورها را در بازار ایالات متحده به شدت کاهش دهد.

تحلیلگران بر این باورند که این اقدام، اگرچه از انگیزه محکومیت اقدامات روسیه و حمایت از اوکراین ناشی می‌شود، اما با چالش‌های فنی و ژئوپلیتیکی قابل توجهی روبه‌رو خواهد بود. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تعیین دقیق و شفاف کشورهایی است که مشمول این تعرفه‌ها خواهند شد. عبارت «کشورهایی که همچنان به خرید...» ابهاماتی را در خصوص زمان‌بندی، حجم و ماهیت خریدهای موردنظر ایجاد می‌کند. همچنین، نحوه برخورد با خریدهای غیرمستقیم انرژی روسیه - مانند محصولات پالایش‌شده یا انرژی معامله‌شده از طریق واسطه‌ها - نیازمند سازوکارهای نظارتی پیچیده‌ای خواهد بود.

افزون بر این، تعریف دقیق و قابل‌سنجشی از «گام‌هایی در جهت صلح در اوکراین» که روسیه باید برای جلوگیری از اعمال این تعرفه‌ها بر شرکایش بردارد، یک مسئله حساس سیاسی و دیپلماتیک است. فقدان معیارهای روشن و توافق‌شده می‌تواند منجر به تفسیرهای متفاوت و بروز اختلافات بین‌المللی شود. از منظر اقتصادی، اعمال چنین تعرفه‌های سنگینی می‌تواند پیامدهای دومینویی در

سطح جهانی ایجاد کند. کشورهایی که به شدت به صادرات به ایالات متحده وابسته‌اند، ممکن است با شوک‌های اقتصادی جدی مواجه شوند. این امر می‌تواند منجر به کاهش رشد اقتصادی، افزایش بیکاری و بی‌ثباتی سیاسی در این کشورها شود. همچنین، احتمال واکنش‌های تلافی‌جویانه از سوی این کشورها یا روسیه - از جمله اعمال تعرفه‌های متقابل بر کالاهای آمریکایی - وجود دارد که ممکن است به آغاز یک جنگ تجاری گسترده‌تر منجر شود.

در داخل ایالات متحده نیز، این اقدام می‌تواند پیامدهای اقتصادی به دنبال داشته باشد. کاهش واردات از کشورهای هدف ممکن است باعث کمبود عرضه و افزایش قیمت برخی کالاها برای مصرف‌کنندگان آمریکایی شود. با این حال، حامیان این لایحه استدلال می‌کنند که هزینه‌های بلندمدت عدم مقابله با تجاوز روسیه و تضعیف اقتصاد آن، به مراتب بیش از هزینه‌های کوتاه‌مدت ناشی از این اقدام خواهد بود.

از دیدگاه ژئوپلیتیکی، این اقدام می‌تواند روابط ایالات متحده با کشورهایی را که همچنان به خرید انرژی از روسیه ادامه می‌دهند، به شدت تحت فشار قرار دهد. بسیاری از این کشورها - به ویژه در آسیا و جنوب جهانی - به دلیل ملاحظات اقتصادی و امنیتی، روابطی پیچیده با روسیه دارند. اعمال چنین تعرفه‌هایی می‌تواند این کشورها را در یک دوراهی دشوار قرار داده و احتمالاً آن‌ها را به سمت تقویت روابط با روسیه یا سایر قدرت‌های رقیب سوق دهد.

در نهایت، اثربخشی این لایحه در دستیابی به هدف نهایی خود - یعنی وادار کردن روسیه به برداشتن گام‌هایی در جهت صلح - همچنان نامشخص است. اقتصاد روسیه تا حدی خود را با تحریم‌های بین‌المللی تطبیق داده و در تلاش برای یافتن بازارهای جایگزین صادرات انرژی، به ویژه در چین و هند، بوده است. با این وجود، از دست دادن دسترسی به بازار ایالات متحده، به ویژه برای کشورهایی که اکنون حجم قابل توجهی از کالاهای آن صادر می‌کنند، می‌تواند اهرم فشار موثری ایجاد کند.

تصویب و اجرای این لایحه، مستلزم اجماع سیاسی قوی در داخل ایالات متحده و نیز، درک عمیق از پیامدهای بین‌المللی آن خواهد بود. نحوه تدوین جزئیات فنی قانون - از جمله تعریف دقیق کشورهای هدف و شرایط لغو تعرفه‌ها - نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت یا شکست این راهبرد ایفا خواهد کرد. بی‌تردید، این اقدام فصل تازه‌ای در تلاش‌های بین‌المللی برای اعمال فشار بر روسیه و پایان دادن به جنگ در اوکراین خواهد گشود و واکنش‌های گسترده‌ای را در سراسر جهان برخواهد انگیزد.

برنامه «ساخت چین ۲۰۲۵» شکاف فناوری را کاهش داده است

مطالعه تازه منتشر شده‌ای نشان می‌دهد که برنامه بلندپروازانه صنعتی «ساخت چین ۲۰۲۵» به طور قابل توجهی شکاف فناوری میان چین و کشورهای غربی را کاهش داده است. این ابتکار، که با حمایت رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ اجرا می‌شود و از سوی ایالات متحده با انتقادهای جدی مواجه شده، منابع دولتی هنگفتی را برای تقویت رقابت‌پذیری صنایع چینی بسیج کرده است.

این تحقیق بر موفقیت‌های چشمگیر چین در حوزه‌هایی چون تجهیزات ریلی و نیروگاهی، تجهیزات پزشکی و انرژی‌های تجدیدپذیر تاکید دارد؛ حوزه‌هایی که در آن‌ها وابستگی به واردات خارجی به طور محسوسی کاهش یافته یا به کلی از بین رفته است. این پیشرفت‌ها از طریق سیاست‌هایی محقق شده‌اند که شرکت‌های خارجی را به احداث تأسیسات تولیدی و تحقیقاتی در داخل چین ترغیب می‌کند و همچنین با بهره‌گیری از خریدهای راهبردی شرکت‌های بین‌المللی به منظور دستیابی به فناوری‌های پیشرفته. علاوه بر این، مطالعه نشان می‌دهد که شرکت‌های چینی به طور فزاینده‌ای در حال رقابت با رقبای جهانی خود هستند و در حوزه‌هایی چون کشتی‌سازی و رباتیک موفق به کسب سهم بازار قابل توجهی شده‌اند.

با این حال، گزارش به حوزه‌هایی نیز، اشاره می‌کند که وابستگی چین به فناوری خارجی همچنان پابرجاست. چین در بخش‌هایی چون داروهای زیست‌پزشکی، ماشین‌آلات و ابزارهای پیشرفته، هواپیماهای تجاری و نیمه‌رساناهای پیشرفته، هنوز به تخصص و فناوری خارجی متکی است. هرچند انتظار می‌رود رشد داخلی در این حوزه‌ها افزایش یابد، دستیابی به خودکفایی کامل در فناوری‌های پیشرفته همچنان چالشی قابل توجه باقی خواهد ماند.

یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که چشم‌گیرترین جهش‌های فناوریانه و افزایش سهم بازار شرکت‌های چینی، در صنایعی روی داده که با سرمایه‌گذاری‌های عظیم، بهره‌مندی از بازار داخلی گسترده و پشتیبانی دولتی همراه بوده‌اند؛ به‌ویژه در بخش‌هایی نوظهور که هنوز رهبران جهانی تثبیت‌شده‌ای ندارند. در این گزارش، که به سفارش اتاق بازرگانی ایالات متحده تهیه شده، پیش‌بینی می‌شود بحث‌ها در ایالات متحده و دیگر اقتصادهای پیشرفته درباره واکنش مناسب به سیاست‌های صنعتی تحت حمایت دولت چین و رقابت فزاینده در حوزه فناوری‌های پیشرفته تشدید شود.

برنامه «ساخت چین ۲۰۲۵»، که در سال ۲۰۱۵ به اجرا درآمد، یک راهبرد جامع و بلندمدت برای

تبدیل چین به قدرتی پیشرو در صنایع فناوری پیشرفته به شمار می‌آید. این ابتکار، با تمرکز بر تولید هوشمند از طریق سرمایه‌گذاری گسترده دولتی، ترویج نوآوری داخلی و پرورش شرکت‌های رقابتی در سطح جهانی، ده بخش راهبردی را هدف‌گذاری کرده است. هرچند در سال‌های اخیر اشاره آشکار به نام «ساخت چین ۲۰۲۵» کاهش یافته، اما اهداف راهبردی این برنامه و حمایت‌های دولتی مرتبط با آن همچنان به عنوان ستون اصلی سیاست صنعتی چین پابرجاست.

تعدیل پیش‌بینی رشد اقتصادی چین توسط موسسه اعتبارسنجی مودیز در بحبوحه تنش‌های تعرفه‌ای

موسسه اعتبارسنجی مودیز، یکی از نهادهای معتبر جهانی در حوزه رتبه‌بندی اعتباری، پیش‌بینی خود از رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) چین در سال ۲۰۲۵ را به طور قابل توجهی کاهش داد و آن را از ۴.۵٪ به ۳.۸٪ رساند. این تعدیل منفی نشان‌دهنده دیدگاهی بدبینانه‌تر نسبت به مسیر پیش‌روی اقتصاد چین در سال جاری است. مودیز در توضیح این بازبینی، دو عامل کلیدی را در نظر گرفته است:

۱. تشدید تنش‌های تجاری با ایالات متحده

سابقه تنش‌ها: روابط تجاری چین و ایالات متحده طی سال‌های اخیر به شدت پرتنش بوده و تحت تاثیر موجی از تعرفه‌ها و اقدامات تلافی‌جویانه قرار داشته است. با روی کار آمدن مجدد دولت ترامپ، پیش‌بینی می‌شود این تنش‌ها تشدید شوند.

تاثیر تعرفه‌ها: تعرفه‌ها به منزله مالیاتی بر واردات عمل کرده و باعث افزایش هزینه کالاهای چینی در بازار آمریکا می‌شوند. بر اساس برخی گزارش‌ها، تعرفه‌های ایالات متحده در سال ۲۰۲۵ به رقم بی‌سابقه ۱۲۵٪ می‌رسد که این امر می‌تواند پیامدهایی جدی داشته باشد:

- کاهش حجم صادرات: با افزایش قیمت کالاهای چینی، مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارهای آمریکایی ممکن است خرید خود را کاهش دهند که در نهایت، به افت صادرات چین منجر می‌شود.
- کاهش درآمدهای صادراتی: حتی در صورت تداوم صادرات، بخشی از سود صادراتی چینی‌ها صرف پرداخت تعرفه‌ها خواهد شد.
- اختلال در زنجیره‌های تامین: زنجیره‌های تامین پیچیده و دوجانبه میان چین و آمریکا تحت تاثیر قرار گرفته و بازسازی آن‌ها مستلزم هزینه و ناکارآمدی خواهد بود.

- نااطمینانی و سرمایه‌گذاری: افزایش تنش‌های تجاری، فضای نااطمینانی را برای کسب‌وکارها ایجاد کرده و منجر به پیامدهای زیر می‌شود:
- کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI): شرکت‌های آمریکایی احتمالا به دلیل مخاطرات تجاری، از سرمایه‌گذاری بیشتر در چین پرهیز خواهند کرد.
- تاخیر یا لغو برنامه‌های توسعه‌ای: شرکت‌هایی که وابسته به صادرات به آمریکا هستند، ممکن است پروژه‌های توسعه‌ای خود را متوقف کنند.

۲. تضعیف شرایط اقتصادی جهانی

- وابستگی تجاری: چین به شدت به تجارت بین‌المللی وابسته است؛ بنابراین تضعیف اقتصاد جهانی، تقاضا برای صادرات چین را از سوی سایر کشورها نیز، کاهش خواهد داد.
 - عوامل تضعیف‌کننده اقتصاد جهانی: رشد کند در اقتصادهای بزرگ: کند شدن رشد در اروپا و آسیا مستقیما بر صادرات چین تاثیر منفی می‌گذارد.
 - بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی: افزایش تنش‌های جهانی می‌تواند اعتماد اقتصادی را کاهش داده و بازارها را ناپایدار کند.
 - تورم و نرخ‌های بهره بالا: نرخ بهره بالا، با کاهش مصرف و سرمایه‌گذاری، سرعت رشد جهانی را کند می‌کند.
 - اختلالات غیرتعرفه‌ای در زنجیره‌های تامین: عواملی مانند جنگ‌ها، بلایای طبیعی یا محدودیت‌های لجستیکی نیز، می‌توانند بر تجارت جهانی تاثیر بگذارند.
- مودیز به‌طور خاص تاکید کرده است که این عوامل بر دو محرک اصلی رشد اقتصادی چین تاثیر منفی خواهند گذاشت:
- سرمایه‌گذاری: عدم اطمینان ناشی از تنش‌های تجاری و رکود جهانی، تمایل شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. این امر رشد ظرفیت تولید، اشتغال‌زایی و نوآوری را با وقفه مواجه خواهد کرد.
- اعتماد مصرف‌کننده: افزایش نااطمینانی، احتمال از دست رفتن شغل‌ها و فضای جهانی منفی، می‌تواند اعتماد مصرف‌کننده را تضعیف کند. این مسئله کاهش تقاضا برای کالا و خدمات را در پی دارد که خود

بخش مهمی از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد.

در نتیجه، کاهش پیش‌بینی رشد اقتصادی چین برای سال ۲۰۲۵ از سوی مودیز، هشدار جدی نسبت به تأثیرات بالقوه تشدید تنش‌های تجاری با آمریکا و افول اقتصاد جهانی بر فعالیت‌های کلیدی اقتصادی چین، نظیر سرمایه‌گذاری و مصرف داخلی، محسوب می‌شود. این تحلیل تأکید می‌کند که مخاطرات خارجی - به ویژه در حوزه سیاست‌های تجاری و ثبات اقتصاد جهانی - نقش فزاینده‌ای در شکل‌دهی به مسیر رشد اقتصاد چین در آینده‌ای نزدیک خواهند داشت.

هشدار وزیر دارایی روسیه درباره تنش‌های بودجه‌ای ناشی از کاهش درآمدهای نفتی

روسیه باید خود را برای تنش‌های احتمالی بودجه‌ای ناشی از کاهش درآمدهای نفتی و ناپایداری اقتصادی جهانی آماده کند. این هشدار را آنتون سیلوانوف، وزیر دارایی روسیه، در نشست اخیر وزارتخانه اعلام کرد. سیلوانوف با حمایت از افزایش ذخایر مالی کشور، خواستار بازنگری در «قانون بودجه‌ای منسوخ‌شده‌ای» شد که طبق آن، درآمدهای نفتی مازاد بر قیمت آستانه ۶۰ دلار در هر بشکه به «صندوق ثروت ملی» (NWF) منتقل می‌شود. وی با اشاره به هدف اولیه این صندوق - یعنی محافظت از اقتصاد کشور در برابر نوسانات قیمت کالاها به ویژه نفت - تأکید کرد که صندوق باید بتواند تأمین مالی بی‌وقفه مخارج دولت را برای سه سال تضمین کند.

او تصریح کرد: «وضعیت کنونی جهان نیازمند توجه ویژه به تاب‌آوری مالی عمومی در برابر سناریوهای مختلف توسعه اقتصادی جهانی است». سیلوانوف جنگ‌های تجاری در حال شکل‌گیری را به عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدها برشمرد که فرصت‌های صادراتی بسیاری از کشورها از جمله روسیه را محدود کرده است. وی تأکید کرد که هزینه‌های دولت باید با «واقعیت‌های جدید» هماهنگ شوند و افزود: «باید در خواسته‌های خود محتاط‌تر باشیم و از هر روبل بودجه‌ای بیشترین بازده را کسب کنیم».

به گفته سیلوانوف، سهم درآمدهای نفت و گاز در بودجه فدرال روسیه اکنون به حدود یک‌چهارم کاهش یافته است؛ رقمی که نشان‌دهنده کاهش وابستگی به منابع انرژی است. طبق برآوردهای اولیه وزارت دارایی، درآمدهای نفت و گاز در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۵ به ۲.۶۴ تریلیون روبل (معادل ۲۸.۴ میلیارد دلار) رسید که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، ۹.۸٪ کاهش را نشان می‌دهد.

میخائیل میشوستین، نخست‌وزیر روسیه،^۴ نیز در این نشست سخنرانی کرد و از وزارت دارایی خواست تا بر حفظ ثبات اقتصاد کلان تمرکز کند و برای مواجهه با نوسانات بازار آمادگی داشته باشد. وی

خاطر نشان کرد: «توجه ویژه به اقدامات خاص برای کاهش مخاطرات بودجه‌ای بسیار ضروری است». و افزود: «ما باید برای تغییرات آماده باشیم و سناریوهای مختلف را متناسب با شرایط روز طراحی کنیم».

کاهش قیمت نفت، که از اوایل آوریل شتاب گرفته، تحت تاثیر فشارهای ناشی از تعرفه‌های تجاری ایالات متحده و تصمیم غیرمنتظره اوپک پلاس برای افزایش تولید رخ داده است. بر اساس توافق جدید، کشورهای عضو اوپک پلاس قرار است از ماه مه تولید خود را روزانه ۴۱۱ هزار بشکه افزایش دهند؛ رقمی که سه برابر بیشتر از میزان افزایش برنامه‌ریزی شده اولیه (۱۳۵ هزار بشکه) است. در تاریخ ۹ آوریل، قیمت نفت خام اورال روسیه برای نخستین بار از ژوئن ۲۰۲۳ به کمتر از ۵۰ دلار در هر بشکه سقوط کرد. پیش‌تر در ماه مارس، وزارت دارایی روسیه اعلام کرده بود که میانگین قیمت نفت در سال ۲۰۲۵ حدود ۶۰ دلار پیش‌بینی می‌شود؛ رقمی که پایین‌تر از قیمت لحاظ‌شده در بودجه (۷۰ دلار) است. در همین حال، پیش‌بینی وزارت توسعه اقتصادی حتی محافظه‌کارانه‌تر بوده و میانگین قیمت نفت را حدود ۵۶ دلار در هر بشکه برآورد کرده است.

تحولات منطقه‌ای

امضای توافق‌نامه نفتی میلیارد دلاری میان آرامکو عربستان و سینوپک چین

شرکت آرامکو عربستان سعودی با امضای توافق‌نامه‌ای جدید با شرکت چینی سینوپک، گامی تازه در توسعه همکاری‌های انرژی برداشت. بر اساس این توافق، دو طرف پروژه‌ای مشترک برای توسعه پالایشگاه و مجتمع پتروشیمی «گولی ۲» (Gulei II) در استان فوجیان چین راه‌اندازی خواهند کرد.

طبق بیانیه‌ای که از سوی سینوپک منتشر شده است، ارزش سرمایه‌گذاری این پروژه ۲۸.۸ میلیارد یوان (معادل ۳.۹ میلیارد دلار) اعلام شده است. به موجب این توافق، شرکت آرامکو آسیا و سینوپک، هر یک ۲۵٪ از سهام پروژه را در اختیار خواهند داشت و شرکت پتروشیمی فوجیان - زیرمجموعه سینوپک - مالک ۵۰٪ باقی‌مانده خواهد بود.

سینوپک در این بیانیه هدف از این شراکت را «افزایش سطح ادغام میان عملیات پالایش و پتروشیمی و ارتقای توان رقابتی منطقه‌ای» عنوان کرده است. این توافق در ادامه همکاری‌های پیشین میان دو شرکت به دست آمده است. اوایل ماه جاری، آرامکو و سینوپک برای توسعه پالایشگاه «یاسرف» در شهر ینبع عربستان به توافق رسیده بودند؛ پروژه‌ای که شامل احداث یک واحد کراکینگ بخار بزرگ

با ظرفیت تولید سالانه ۱.۸ میلیون تن و یک مجتمع آروماتیک‌ها با ظرفیت ۱.۵ میلیون تن در سال می‌شود.

امین الناصر، رئیس و مدیرعامل اجرایی آرامکو، پیش‌تر در سخنرانی خود در «همایش توسعه چین» که در مارس گذشته در پکن برگزار شد، تاکید کرده بود که این شرکت در راستای راهبرد جهانی خود، به طور مستمر در پی شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید و گسترش حضور خود در بازار چین است. وی چین را «بازاری بزرگ و عنصری کلیدی در راهبرد جهانی آرامکو» توصیف کرده بود.

همکاری راهبردی آرامکو و BYD: افق‌های نو در سرمایه‌گذاری انرژی پاک

شرکت آرامکو عربستان سعودی با امضای توافق‌نامه‌ای با شرکت چینی BYD، گامی مهم در مسیر توسعه فناوری‌های حمل‌ونقل پایدار و تقویت حضور خود در بازار جهانی انرژی پاک برداشت. این توافق، که در تاریخ ۲۱ آوریل ۲۰۲۵ از طریق شرکت تابعه آرامکو تکنولوژی‌ز (Aramco Technologies) منعقد شده است، با هدف ارتقای همکاری‌های تحقیق و توسعه در حوزه خودروهای برقی و بهینه‌سازی عملکرد و کارایی آن‌ها صورت گرفته است.

آرامکو در چارچوب راهبرد تنوع‌بخشی به سبد سرمایه‌گذاری‌های خود و هم‌سویی با تحولات جهانی صنعت حمل‌ونقل، به طور فزاینده‌ای در فناوری‌های مرتبط با خودروهای الکتریکی و تامین مواد اولیه آن‌ها - به ویژه لیتیوم - سرمایه‌گذاری می‌کند. علی‌المشاری، معاون ارشد هماهنگی فنی آرامکو، در بیانیه‌ای رسمی اظهار داشت: «این همکاری بخشی از تلاش‌های گسترده آرامکو در مسیر انتقال انرژی و توسعه راهکارهای چندانگانه و نوآورانه برای آینده‌ای کم‌کربن است».

از سوی دیگر، لو هونگ‌بین، معاون ارشد شرکت BYD، این مشارکت را هم‌افزایی موثری میان نوآوری فناورانه و بهره‌وری زیست‌محیطی دانست و گفت: «همکاری با آرامکو، فرصتی طلایی برای غلبه بر چالش‌های فن‌آورانه و جغرافیایی و توسعه راهکارهای کم‌کربن با عملکرد بالا خواهد بود». این توافق پس از آن صورت گرفت که شرکت آمریکایی تسلا در تاریخ ۱۰ آوریل با افتتاح نخستین نمایشگاه و مرکز خدمات خود در ریاض، حضور رسمی خود را در بازار عربستان اعلام کرد. در حالی که تسلا و BYD به عنوان دو بازیگر اصلی بازار جهانی خودروهای برقی شناخته می‌شوند، BYD با رشد سریع و ارائه مدل‌های اقتصادی، سهم بازار تسلا را در برخی مناطق کلیدی به چالش کشیده است.

عربستان سعودی هدف‌گذاری کرده است که تا سال ۲۰۳۰، سهم خودروهای برقی از کل ناوگان

جاده‌ای کشور را از ۱٪ به ۳۰٪ برساند. با این حال، طبق گزارش رویترز، تا سال ۲۰۲۴ تنها ۱۰۱ ایستگاه شارژ خودروهای برقی در کشور به ثبت رسیده است و زیرساخت‌های مرتبط هنوز در مرحله توسعه قرار دارند. در مقابل، چین اکنون ۶۰٪ از فروش جهانی خودروهای الکتریکی را به خود اختصاص داده و بیش از ۳۰ میلیارد دلار در زیرساخت‌ها و فناوری باتری سرمایه‌گذاری کرده است. این کشور تاکنون بیش از ۲۳۰۰ ایستگاه تعویض باتری تاسیس کرده و رهبری بازار را در اختیار دارد.

به گزارش مجله بریتانیایی EV، آرامکو از طریق سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت معادن عربستان (Ma'aden)، در تلاش است تا زنجیره تامین بومی لیتیوم را برای صنعت خودروهای برقی در کشور ایجاد کند؛ عنصری حیاتی برای تولید باتری‌های لیتیوم-یون که نقشی کلیدی در انقلاب حمل‌ونقل سبز دارد.

بلومبرگ نیز، این توافق با BYD را چرخشی راهبردی در سیاست‌های آرامکو ارزیابی کرده است؛ شرکتی که در گذشته بیشتر بر بهینه‌سازی موتورهای احتراقی متمرکز بود و اکنون به دنبال تثبیت نقش خود در دوران گذار انرژی جهانی است.

می‌توان این همکاری راهبردی را گامی بلند در مسیر تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان و دستیابی به وضعیت کرین‌خشی تا سال ۲۰۶۰ دانست. این مشارکت، ترکیبی از توان فناورانه چین و ظرفیت مالی و انرژی عربستان است که الگویی موفق از دیپلماسی فناورانه و سرمایه‌گذاری سبز در سطح بین‌المللی ارائه می‌دهد.

تسویه بدهی‌های سوریه به بانک جهانی توسط عربستان و قطر

عربستان سعودی و قطر در اقدامی مشترک، بدهی‌های معوقه سوریه به بانک جهانی به ارزش ۱۵ میلیون دلار را پرداخت کردند؛ اقدامی که به باور تحلیل‌گران، فراتر از یک حرکت مالی ساده است و نشانه‌ای از تغییر رویکرد منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به دمشق به شمار می‌رود.

وزارتخانه‌های دارایی عربستان و قطر با انتشار بیانیه‌ای مشترک، هدف از این اقدام را «تسریع روند بهبود اقتصادی سوریه» و «ایجاد امکان برای از سرگیری حمایت بانک جهانی از بخش‌های حیاتی» عنوان کردند. در پی این اقدام، وزارت امور خارجه سوریه ضمن ابراز «تشکر و قدردانی عمیق» از دو کشور، این ابتکار عمل را «نشانه‌ای از حمایت برادرانه» دانست که مسیر همکاری گسترده‌تر با نهادهای بین‌المللی را هموار می‌سازد.

با تسویه بدهی‌ها، بانک جهانی قادر خواهد بود طرح‌های حمایتی برای بازسازی و بهبود اقتصادی سوریه را تصویب کند؛ فرآیندی که طی بیش از چهارده سال گذشته و پس از آغاز جنگ داخلی در سال ۲۰۱۱، متوقف شده بود. در این مدت، روابط بانک جهانی با سوریه به ارائه مشاوره‌های فنی غیرالزام‌آور محدود مانده بود. بر اساس گزارش‌ها، این اقدام می‌تواند به آزادسازی منابع مالی قابل توجهی منجر شود. این پرداخت‌ها زمینه را برای تخصیص ۱۵۰ میلیون دلار به پرداخت حقوق کارکنان بخش دولتی و ۱۵۰ میلیون دلار دیگر برای توسعه زیرساخت‌ها فراهم می‌کند. همچنین، صندوق بین‌المللی پول ۳۰۰ میلیون دلار و صندوق توسعه وابسته به سازمان ملل نیز، یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار به صورت کمک بلاعوض در اختیار دولت سوریه قرار خواهند داد.

این حرکت مالی بخشی از روندی گسترده‌تر در چارچوب سیاست منطقه‌ای جدید است. اخیراً رئیس‌جمهور سوریه، احمد شرع، در نخستین سفر خارجی خود پس از پایان حکومت بشار اسد، به ریاض سفر کرد و دو کشور بر تمایل خود برای «گشودن صفحه‌ای جدید» در روابط دوجانبه تأکید کردند. پیش از آن، امیر قطر، شیخ تمیم بن حمد آل ثانی، به عنوان نخستین رهبر عربی پس از تحولات سیاسی دمشق، به سوریه سفر کرده و وعده حمایت مستقیم از روند بازسازی و توسعه زیرساخت‌های حیاتی را داده بود. قطر همچنین برنامه‌ای برای تأمین گاز سوریه از طریق اردن به منظور بهبود وضعیت بحرانی شبکه برق این کشور اعلام کرده است.

اگرچه مبلغ بدهی تسویه‌شده نسبتاً اندک است، اما پیامدهای سیاسی و اقتصادی این اقدام به مراتب فراتر از ارزش اسمی آن است. این گام، مانعی اجرایی را که از سال ۲۰۱۱ مانع همکاری بانک جهانی با سوریه شده بود، از میان برداشت. همچنین، این اقدام نمادی از آغاز روند ادغام تدریجی سوریه در نظام مالی بین‌المللی است و پیامی مثبت به نهادهای مالی و کشورهای کمک‌کننده بالقوه ارسال می‌کند. اگرچه کمک‌های اولیه ممکن است برای جبران بحران اقتصادی عمیق سوریه کافی نباشد، اما این اقدامات می‌توانند زیربنای جذب حمایت‌های مالی گسترده‌تر در آینده را فراهم کنند.

با این همه، مسیر بازگشت کامل سوریه به نظام مالی جهانی همچنان با چالش‌هایی همراه است. کریستالینا جورجیوا، مدیرکل صندوق بین‌المللی پول، در نشست اخیر این نهاد بر ضرورت ارائه داده‌های اقتصادی موثق از سوی سوریه به عنوان پیش‌شرط بررسی حمایت‌های آینده تأکید کرد. برای نخستین بار در بیش از دو دهه گذشته، مقامات مالی سوریه، از جمله رئیس بانک مرکزی و وزیر دارایی این کشور، در نشست‌های مشترک بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول شرکت کردند؛ که نشانه‌ای از

آغاز روند گشایش محدود و مشروط به سوی دمشق است.

رشد ۱۰ درصدی مبادلات تجاری میان امارات و عمان در سال ۲۰۲۴

داده‌های تازه نشان می‌دهد که مبادلات تجاری میان امارات متحده عربی و سلطنت عمان در سال ۲۰۲۴ با رشدی نزدیک به ۱۰ درصد، به بیش از ۱۵.۳ میلیارد دلار رسیده است. این خبر را وزیر مشاور در امور تجارت خارجی امارات، در جریان سفر رسمی خود به مسقط اعلام کرد. الزیودی تصریح کرد: «سلطنت عمان همچنان جایگاه خود را به عنوان دومین شریک تجاری بزرگ امارات در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس حفظ کرده است». وی این اظهارات را در حاشیه مشارکت در «مجمع مزیت عمان ۲۰۲۵» بیان کرد؛ رویدادی که با هدف معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری آینده و تبیین فضای مساعد همکاری اقتصادی در بخش‌های نوظهور برگزار شده است.

بر اساس آمار ارائه شده، مجموع مبادلات غیرنفتی میان دو کشور در سال ۲۰۲۴ به بیش از ۵۶.۱ میلیارد درهم (معادل ۱۵.۳ میلیارد دلار) رسیده که نسبت به سال ۲۰۲۳ رشدی ۹.۸ درصدی را نشان می‌دهد. وزیر اماراتی همچنین خاطر نشان کرد که مبادلات تجاری بین دو کشور طی سال‌های گذشته نیز، روندی صعودی داشته است؛ به گونه‌ای که در سال ۲۰۲۲ رشد ۱۵ درصدی، در سال ۲۰۲۱ رشد ۲۰.۳ درصدی، در سال ۲۰۲۰ رشد ۳۲.۴ درصدی و در سال ۲۰۱۹ رشد ۱۶.۷ درصدی نسبت به سال‌های پیش از آن ثبت شده است.

الزیودی با تأکید بر اهمیت این روند صعودی اظهار داشت: «رشد مستمر تجارت غیرنفتی میان امارات و عمان، نشان‌دهنده استحکام روابط تاریخی و برادرانه میان دو کشور است». وی افزود: «این روابط، نمونه‌ای از یک شراکت راهبردی موفق است که به شکوفایی اقتصادی و توسعه پایدار در سطح منطقه کمک می‌کند و تحقق آرمان‌های ملت‌های دو کشور را تسهیل می‌کند».

«مجمع مزیت عمان» به ابتکار وزارت تجارت، صنعت و ترویج سرمایه‌گذاری سلطنت عمان برگزار شده است. این رویداد با هدف بررسی تحولات محیط سرمایه‌گذاری جهانی، شناسایی روندهای آینده در بخش‌های نوظهور اقتصادی و معرفی فرصت‌ها و مشوق‌های سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تدارک دیده شده است.

ترکیه، کانون توجه سرمایه‌گذاران؟

محمد شمشک، وزیر خزانه‌داری و دارایی ترکیه، اخیراً اعلام کرد که رشد اقتصادی این کشور با محدودیت بدهی مواجه نیست و با کاهش نوسانات داخلی و جهانی، ترکیه بار دیگر به کانون توجه سرمایه‌گذاران بین‌المللی تبدیل خواهد شد. وی در پیامی ویدئویی خطاب به «مجمع اقتصادی پالاندوکن» در ارزروم تأکید کرد: «ما معتقدیم که روند احتیاط سرمایه‌گذاران نسبت به کشورهای در حال توسعه موقتی است. در بلندمدت، توجه سرمایه‌گذاران به کشورهایی با بنیان‌های اقتصاد کلان قوی و روایت‌های قانع‌کننده معطوف خواهد شد؛ و ترکیه یکی از برجسته‌ترین کشورها در این زمینه است».

شمشک توضیح داد که از میانه سال ۲۰۲۳، ترکیه برنامه‌ای اقتصادی مبتنی بر سیاست پولی انقباضی را برای مهار تورم سرسختانه آغاز کرده است. نرخ تورم که در ماه مه سال گذشته به اوج ۷۵ درصدی رسیده بود، در مارس سال جاری به ۳۸.۱٪ کاهش یافته است (پایین‌ترین سطح از دسامبر ۲۰۲۲ تاکنون). بانک مرکزی ترکیه، که پیش‌تر سیاست تسهیل پولی را در دستور کار قرار داده بود، در تاریخ ۱۷ آوریل به طور غافلگیرکننده‌ای نرخ بهره را ۳۵۰ واحد پایه افزایش داد و به ۴۶٪ رساند. این اقدام به عنوان نشانه‌ای از تعهد مجدد به کنترل تورم ارزیابی شده است.

وزیر خزانه‌داری ترکیه در ادامه با اشاره به برنامه اقتصادی میان‌مدت دولت گفت: «ما در حال ایجاد زیرساخت‌های لازم برای رشد اقتصادی پایدار و بلندمدت هستیم». به گفته او، این برنامه منجر به کاهش آسیب‌پذیری‌های خارجی، تقویت مقاومت اقتصادی در برابر شوک‌های بیرونی و بهبود ثبات اقتصاد کلان ترکیه شده است. شمشک با اشاره به فضای جهانی نامطمئن ناشی از جنگ‌های تجاری، سالمندی جمعیت، پیشرفت شتابان هوش مصنوعی و بحران اقلیمی، تأکید کرد که سرمایه‌گذاران بین‌المللی اکنون محتاط‌تر از گذشته عمل می‌کنند. با این حال، وی خاطرنشان کرد که ترکیه برخلاف بسیاری از کشورها نسبت به فروپاشی تجارت جهانی آسیب‌پذیری کمتری دارد، زیرا:

۱. اقتصاد ترکیه عمدتاً بر پایه تقاضای داخلی استوار است و صادرات کالا تنها حدود ۲۰٪ از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد؛

۲. بخش بزرگی از تجارت خارجی این کشور با کشورهای دوست و نزدیک انجام می‌شود؛

۳. ترکیه دارای توافق‌نامه تجارت آزاد با ۵۴ کشور، از جمله اتحادیه اروپاست و ۶۲٪ از صادرات آن با کشورهای است که تحت تحریم‌ها یا محدودیت‌های تجاری جهانی نیستند.

وی همچنین تاکید کرد که بازار هدف ترکیه شامل منطقه‌ای با اندازه اقتصادی ۳۰ تریلیون دلار است و این کشور حتی در غیاب توافق‌نامه‌های رسمی، روابط نزدیکی با کشورهای خاورمیانه، آسیای مرکزی و آفریقا دارد. شمشک با اشاره به نسبت پایین بدهی دولت ترکیه گفت: «میزان کل بدهی معادل تنها ۹۳٪ تولید ناخالص داخلی است، درحالی‌که این رقم در میان اقتصادهای نوظهور هم‌تراز، حدود ۲۴۵٪ است». وی افزود: «ما در زمینه بدهی، نسبت به هم‌تایان خود مزیت داریم و هیچ مانع ساختاری برای رشد اقتصادی ترکیه وجود ندارد».

شمشک به کاهش چشم‌گیر کسری حساب جاری اشاره کرد که از بیش از ۵۵ میلیارد دلار در مه ۲۰۲۳ به ۱۲.۸ میلیارد دلار در فوریه ۲۰۲۵ کاهش یافته است. به گفته وی، اگر واردات طلا لحاظ نشود، ترکیه با وجود رشد اقتصادی متوسط، مازاد حساب جاری ثبت کرده است. شمشک یادآور شد که روند کاهش تورم طی ۱۰ ماه متوالی ادامه داشته و اثرات سیاست پولی، تقویت ابزارهای مالی و اصلاحات سمت عرضه، همگی در کاهش بیشتر نرخ تورم نقش دارند. او تصریح کرد: «انضباط مالی و اقدامات صرفه‌جویانه‌ای که سال گذشته آغاز شد، امسال نیز، ادامه خواهد یافت. بهبود قابل توجهی در تراز تجاری حاصل شده و نیاز ترکیه به تامین مالی خارجی، به طور پیوسته در حال کاهش است». وزیر خزانهداری ترکیه در پایان تاکید کرد که دولت در تلاش است از بحران‌ها و تحولات جهانی به عنوان فرصتی برای ارتقای جایگاه اقتصادی ترکیه بهره‌برداری کند.

رشد ۲.۷ درصدی اقتصاد عربستان در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۵

بر اساس برآوردهای منتشرشده از سوی اداره کل آمار عربستان در روز پنج‌شنبه، اقتصاد این کشور در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۵ نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲.۷٪ رشد کرده است. این افزایش، چهارمین سه‌ماهه متوالی رشد اقتصادی و نتیجه عملکرد قوی بخش غیرنفتی کشور به شمار می‌رود. فعالیت‌های غیرنفتی با ثبت رشد ۴.۲ درصدی، عامل اصلی این توسعه بوده‌اند، در حالی که بخش نفتی پس از دو سه‌ماهه متوالی رشد، با کاهش ۱.۴ درصدی مواجه شد. این کاهش در چارچوب تعهد عربستان سعودی به کاهش تولید نفت طبق توافق اوپک پلاس رخ داده است؛ توافقی که با هدف حمایت از ثبات بازارهای جهانی انرژی شکل گرفته است.

رشد مستمر بخش غیرنفتی اکنون وارد هفدهمین سه‌ماهه متوالی خود شده و نشان‌دهنده پیشرفت چشمگیر عربستان در راستای تحول اقتصادی و کاهش وابستگی به نفت است؛ هدفی که در قالب

«چشم‌انداز ۲۰۳۰» دنبال می‌شود. برای نخستین بار، سهم بخش غیرنفتی از اقتصاد کشور به ۵۱٪ رسید که پس از رشد سالانه ۴.۳ درصدی در سال ۲۰۲۴ تحقق یافته است. این دستاورد، گویای پیشرفت عربستان در زمینه تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و توسعه بخش‌های تولیدی و خدماتی است. فعالیت‌های دولتی نیز، برای هفتمین سه‌ماهه پیاپی رشد شتابانی را تجربه کردند و نرخ رشد آن‌ها از ۱.۷٪ در سه‌ماهه پیشین فراتر رفت.

صندوق بین‌المللی پول (IMF) رشد اقتصادی عربستان را برای سال ۲۰۲۵ معادل ۳٪ و برای سال ۲۰۲۶ برابر با ۳.۷٪ پیش‌بینی کرده است. در مقابل، وزارت دارایی عربستان چشم‌انداز خوش‌بینانه‌تری برای سال ۲۰۲۵ ارائه داده و رشد ۴.۶ درصدی را برای سال ۲۰۲۵ و ۳.۵ درصدی را برای سال ۲۰۲۶ پیش‌بینی می‌کند. این برآوردها، عربستان را در جایگاه یکی از سریع‌ترین اقتصادهای در حال رشد در میان کشورهای گروه ۲۰ (G۲۰) قرار می‌دهد.

همکاری قزاقستان و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا برای رفع شکاف زیرساختی

نمایندگان بانک‌های توسعه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و نهادهای دولتی اخیراً در نشستی تخصصی که به میزبانی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB) و وزارت اقتصاد ملی قزاقستان در مرکز مالی بین‌المللی آستانه^۱ (AIFC) برگزار شد، بر ضرورت بسیج سرمایه خصوصی برای پر کردن شکاف چند تریلیون دلاری تامین مالی زیرساخت‌ها در آسیا تاکید کردند.

کنستانتین لیمیتوفسکی، مدیر ارشد سرمایه‌گذاری AIIB، که به صورت مجازی در این نشست حضور داشت، قزاقستان را یکی از اعضای مؤسس این بانک معرفی کرد که تاکنون بیش از ۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در قالب هفت پروژه بزرگ دولتی و خصوصی دریافت کرده است. او اظهار داشت: «این پروژه‌ها شامل جاده‌هایی برای اتصال جوامع، انرژی‌های تجدیدپذیر برای تامین برق منازل و بیمارستان‌هایی برای ارائه خدمات حیاتی می‌شود». لیمیتوفسکی با اشاره به نقش قزاقستان به عنوان یک مرکز کلیدی تجارت و توزیع در منطقه، افزود که تاکنون ۴۲۰ مگاوات انرژی سبز، از جمله از طریق توسعه مزارع بادی، به سبد انرژی این کشور افزوده شده است. همچنین، AIIB تامین مالی نخستین بیمارستان قزاقستان تحت قانون مشارکت عمومی - خصوصی (PPP) را بر عهده داشته است.

تالگات لاستایف، معاون وزیر حمل‌ونقل قزاقستان، از برنامه‌های دولت برای توسعه شبکه حمل‌ونقل

مدرن تا سال ۲۰۳۰ خبر داد و اعلام کرد: «بیش از ۴۰۰۰ کیلومتر جاده با هزینه‌ای بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار در دست بازسازی و احداث است». او پروژه‌های کلیدی‌ای همچون مسیرهای کاراگندی-ژرکانگان و آکتوبه-کارابوتاک-اولگایسین را معرفی کرد و از توافق‌نامه‌های قریب‌الوقوع با بانک جهانی و بانک بازسازی و توسعه اروپا (EBRD) برای تامین مالی مشترک این پروژه‌ها خبر داد. وی تاکید کرد که توسعه زیرساخت‌های پایدار و گذار به انرژی پاک، از اولویت‌های راهبردی قزاقستان است.

اوگنیا بوگدانوا، مدیرعامل اداره خدمات مالی آستانه^۱ (AFSA)، نیز بر اهمیت پایداری در بازارهای سرمایه تاکید کرد و گفت: «زیرساخت تنها به معنای ساخت دارایی نیست، بلکه به معنای خلق فرصت است. ما باید با چارچوب‌های نظارتی مناسب، ابزارهای کاهش مخاطره و مشوق‌های مبتنی بر بازار، سرمایه خصوصی را جذب کنیم». او افزود که AFSA در حال توسعه ابزارهای مالی پایدار مطابق با استانداردهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی^۲ (ESG) است.

عاصم رانا، مدیر AIIB، به معرفی راهبردهای این بانک برای جذب سرمایه بخش خصوصی پرداخت و به ابزارهایی مانند پلتفرم Bayfront در سنگاپور اشاره کرد که وام‌های زیرساختی را به اوراق بهادار قابل معامله تبدیل می‌کند. او گفت: «این نوآوری‌ها نقدینگی را افزایش داده و امکان بازیافت سرمایه^۳ را فراهم می‌کنند». رانا تاکید کرد که پروژه‌های زیرساختی باید از منظر تجاری برای سرمایه‌گذاران نهادی^۴ جذاب باشند.

اکژول اورزالین، معاون مدیر دپارتمان همکاری اقتصادی بین‌المللی در وزارت اقتصاد ملی قزاقستان، اعلام کرد که این کشور در سال ۲۰۲۴ رشد اقتصادی ۴.۸ درصدی را تجربه کرده است؛ رشدی که عمدتاً از سوی بخش‌های کشاورزی، حمل‌ونقل و تولید صنعتی هدایت شده است. وی از برنامه ملی زیرساخت قزاقستان به ارزش ۸۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۹ پرده برداشت که شامل بیش از ۲۰۰ پروژه در حوزه‌های انرژی، حمل‌ونقل، دیجیتال‌سازی و زیرساخت‌های فاضلاب است. اورزالین تصریح کرد: «حدود ۹۰٪ از این بودجه از منابعی خارج از بودجه عمومی تامین خواهد شد». او همچنین

1- Astana Financial Services Authority

2- Environmental, Social and Governance

۳- عبارت "recycle capital" به معنای بازیافت یا بازچرخانی سرمایه است و در زمینه‌های اقتصادی و مالی به فرآیندی اشاره دارد که طی آن، سرمایه‌ای که در پروژه یا دارایی‌ای استفاده شده، آزاد می‌شود تا در فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری مجدداً مورد استفاده قرار گیرد.

۴- عبارت Institutional Investors یا سرمایه‌گذاران نهادی به گروهی از سازمان‌ها یا نهادهای مالی اطلاق می‌شود که با دارایی‌های مالی بزرگ و حرفه‌ای، در بازارهای سرمایه، پروژه‌های زیربنایی، یا ابزارهای مالی سرمایه‌گذاری می‌کنند. این گروه‌ها معمولاً تأثیرگذاری قابل توجهی در اقتصاد و بازارهای مالی دارند.

به چالش‌های موجود در زمینه تامین مالی بلندمدت و ضرورت توسعه مدل‌های تقسیم مخاطره انعطاف‌پذیر و ابزارهای مالی سبز اشاره کرد.

زامیرا سوندتوا، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری SkyBridge Invest، با اشاره به تعهد این شرکت به توسعه زیرساخت‌های پایدار گفت: «ما از طرف مشتریان خود، معاملات پیچیده زیرساختی را تسهیل می‌کنیم و از اهداف دولت برای دستیابی به وضعیت کربن خنثی تا سال ۲۰۶۰ پشتیبانی می‌کنیم». او از افزایش علاقه به پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر و زیرساخت‌های دیجیتال مانند فیبر نوری و شبکه ۵G خبر داد و پیشنهاد کرد که یک صندوق سرمایه‌گذاری زیرساختی مشترک، مشابه «ابتکار سه دریا» در اروپا، در قزاقستان نیز ایجاد شود.

وانگ شیان‌مینگ، مدیر ارشد شعبه آستانه بانک ساخت‌وساز چین (CCB)، اعلام کرد که این بانک از سال ۲۰۱۹ تاکنون، یک میلیارد دلار در پروژه‌هایی با تمرکز بر انرژی خورشیدی، بادی و زیرساخت‌های گازی در قزاقستان سرمایه‌گذاری کرده است. او نقش بانک‌های تجاری را در سه حوزه «حمایت مالی»، «مدیریت مخاطره» و «ایجاد زیست‌بوم مالی» تشریح کرد و از همکاری‌های نوآورانه با بانک‌های چندجانبه برای کاهش هزینه‌های تامین مالی و توسعه نظام مالی متنوع سخن گفت.

این نشست نشان داد که همکاری نزدیک میان دولت قزاقستان، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و بخش خصوصی، می‌تواند به رفع شکاف زیرساختی این کشور کمک کند. با این حال، موفقیت این برنامه به بسیج سرمایه خصوصی، چارچوب‌های نظارتی مستحکم و مشارکت‌های موثر بین‌المللی بستگی دارد. قزاقستان، با تکیه بر موقعیت راهبردی و منابع غنی خود، در مسیر تبدیل شدن به یک مرکز منطقه‌ای برای توسعه پایدار قرار گرفته است.

گفت‌وگوی صنعتی عربستان و ایرباس برای توسعه صنعت هوانوردی

در راستای تلاش‌های عربستان سعودی برای توسعه صنایع راهبردی و تحقق اهداف «چشم‌انداز ۲۰۳۰»، بندر الخریف، وزیر صنعت و منابع معدنی این کشور، طی سفری رسمی به فرانسه با مدیرعامل شرکت ایرباس هلیکوپترز دیدار و گفت‌وگو کرد. به گزارش رسانه‌های سعودی، این دیدار در دفتر مرکزی ایرباس واقع در شهر مارینیان برگزار شد و طی آن، الخریف و برونو ایون، مدیرعامل ایرباس هلیکوپترز، درباره راهکارهای ارتقای همکاری در زمینه ساخت، نگهداری و تعمیر بالگردها به تبادل نظر پرداختند. دو طرف همچنین آخرین فناوری‌های پیشرفته در حوزه ساخت هواپیما و فرصت‌های

منحصر به فرد سرمایه‌گذاری در بخش هوانوردی عربستان را مورد بررسی قرار دادند

الخریف در حساب رسمی خود در پلتفرم X (توییتر سابق) نوشت: «بازدید من از کارخانه ایرباس هلیکوپترز، آغازگر گفت‌وگوهای مفصل درباره انتقال فناوری، تبادل تخصص بومی‌سازی صنعت هوانوردی در پادشاهی بود». او در این دیدار، بر مزیت‌های رقابتی عربستان برای سرمایه‌گذاران خارجی تاکید کرد؛ از جمله موقعیت جغرافیایی راهبردی این کشور که سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را به هم متصل می‌کند، دسترسی به منابع طبیعی غنی، قیمت پایین انرژی، زیرساخت‌های پیشرفته و شهرک‌های صنعتی مدرن. این گفت‌وگوها در چارچوب راهبردی عربستان برای تنوع بخشی به اقتصاد و کاهش وابستگی به نفت انجام شده‌اند. به گفته مقامات سعودی، صنعت هوانوردی یکی از محورهای اصلی این تحول اقتصادی به شمار می‌رود و توسعه آن در اولویت‌های «راهبرد ملی صنعتی» قرار دارد. بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، عربستان سعودی فرصت‌هایی با ارزش بیش از ۱۰ میلیارد ریال سعودی در حوزه‌هایی نظیر خدمات نگهداری، تعمیر و عملیات (MRO)، تولید پهپاد و اتوماسیون پیشرفته شناسایی کرده است. این اقدامات، بخشی از تلاش برای تقویت نقش بخش خصوصی و ایجاد شراکت‌های فناورانه بلندمدت با شرکت‌های بین‌المللی ارزیابی می‌شود.

افزایش ۳۴ درصدی کسری تجاری پاکستان با ۹ کشور پیرامونی

کسری تجاری پاکستان با ۹ کشور همسایه در دوره ۹ ماهه منتهی به آوریل ۲۰۲۵ با رشد ۳۴.۳۷ درصدی به ۸.۴۶۷ میلیارد دلار رسید؛ در حالی که این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۶.۳۰۱ میلیارد دلار بود. داده‌های رسمی منتشر شده از سوی بانک مرکزی پاکستان نشان می‌دهد که با وجود افزایش صادرات به برخی کشورها مانند افغانستان، بنگلادش و سری‌لانکا، رشد شدید واردات از کشورهایی مانند چین، هند و بنگلادش، موجب تشدید شکاف تجاری منطقه‌ای شده است.

در این بازه زمانی، صادرات پاکستان به ۹ کشور همسایه (چین، افغانستان، هند، ایران، بنگلادش، سری‌لانکا، نپال، بوتان و مالدیو) با رشدی ۳.۲۶ درصدی به ۳.۴۲۰ میلیارد دلار رسید، در حالی که این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۳.۳۱۲ میلیارد دلار بود. در مقابل، واردات از این کشورها با افزایش چشم‌گیر ۲۳.۶۵ درصدی، به ۱۱.۸۸۷ میلیارد دلار رسید که فشار مضاعفی بر تراز تجاری پاکستان وارد کرده است.

چین همچنان اصلی‌ترین شریک تجاری پاکستان در منطقه باقی مانده است. واردات از چین با رشد

۲۳.۶۹ درصدی به ۱۱.۵۸۲ میلیارد دلار افزایش یافت، در حالی که صادرات پاکستان به چین با کاهش ۱۲.۳۶ درصدی به ۱.۸۷۸ میلیارد دلار رسید. در سال مالی ۲۰۲۴ نیز، واردات از چین با رشدی ۳۹.۷۸ درصدی به ۱۳.۵۰۶ میلیارد دلار رسیده بود. عمده واردات از چین شامل ماشین‌آلات صنعتی، مواد خام و تجهیزات الکترونیکی است.

صادرات پاکستان به افغانستان با جهشی ۶۴.۴۸ درصدی به ۶۲۳.۲۸ میلیون دلار رسید. تنها در چهار ماه گذشته، پاکستان بیش از ۷۰۰ هزار تن شکر به افغانستان صادر کرده است. با این حال، بسته‌بودن مرز تورخم به مدت ۲۷ روز موجب اختلال در جریان تجارت شده است. واردات از افغانستان نیز، با رشدی ۲۱۲ درصدی از ۶.۴۴ میلیون دلار در سال گذشته به ۲۰.۱۳ میلیون دلار افزایش یافته است. در رابطه با بنگلادش، صادرات پاکستان با رشد ۲۵ درصدی به ۶۰۲.۸۳ میلیون دلار رسید، در حالی که واردات از این کشور نیز، با افزایش ۴۴.۵۳ درصدی به ۶۲.۸۶ میلیون دلار بالغ شد.

از سوی دیگر، واردات از هند با رشد ۱۲.۷۲ درصدی به ۱۷۶.۳۱ میلیون دلار افزایش یافت، اما صادرات به این کشور همچنان در سطح بسیار پایینی باقی مانده است. در دوره ۹ ماهه منتهی به آوریل ۲۰۲۵، صادرات پاکستان به هند تنها ۰.۴۱ میلیون دلار بود، در حالی که این رقم در سال گذشته ۱.۲۳ میلیون دلار ثبت شده بود.

در خصوص ایران، به دلیل سهم بالای تجارت غیررسمی و قاچاق فرآورده‌های نفتی و گاز مایع (LPG) از مرز بلوچستان، داده‌های رسمی در دسترس نیست. با این حال، پاکستان تلاش کرده است تا از طریق سازوکارهای تجارت پایاپای (بارتر) به مقابله با قاچاق بپردازد. با وجود بهبود نسبی در صادرات به برخی کشورهای منطقه، تراز تجاری پاکستان در سطح پیرامونی با روندی نگران‌کننده روبه‌روست. واردات سنگین از چین، کاهش صادرات به اقتصادهای بزرگ منطقه و تکیه بر بازارهای غیررسمی از جمله چالش‌های ساختاری جدی در سیاست تجاری پاکستان به شمار می‌روند که می‌تواند مسیر اصلاحات تجاری و صنعتی این کشور را با موانعی مضاعف مواجه سازد.

پژوهش‌های تازه

برآورد موسسه پترسون از آثار سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ

در دنیایی که اقتصادهای ملی به طور فزاینده‌ای درهم تنیده شده‌اند، سیاست‌های تجاری می‌توانند اثرات عمیق و چندلایه‌ای بر عملکرد اقتصادی کشورها و مناسبات بین‌المللی برجای بگذارند. در این

راستا، گزارش تازه‌ای با عنوان «پیامدهای درآمدی تعرفه‌های رئیس‌جمهور ترامپ در سال ۲۰۲۵ برای ایالات متحده» که توسط موسسه پترسون منتشر شده است، به بررسی ابعاد اقتصادی و مالی افزایش تعرفه‌های پیشنهادی دولت دونالد ترامپ بر واردات ایالات متحده می‌پردازد.

این گزارش، سناریوهای مختلفی از افزایش تعرفه‌ها (در سطوح ۱۰، ۱۵ و ۲۰٪) را تحلیل کرده و اثرات آن‌ها را بر متغیرهای کلیدی همچون درآمدهای دولت فدرال، تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، حجم تجارت و عملکرد بخش‌های اصلی اقتصاد ایالات متحده مورد ارزیابی قرار می‌دهد. همچنین، در این مطالعه تأثیرات اقدامات تلافی‌جویانه شرکای تجاری آمریکا نیز، لحاظ شده و به وضوح نشان داده شده است که واکنش‌های جهانی چگونه می‌توانند مسیر نتایج این سیاست‌ها را دگرگون کنند. هدف اصلی این گزارش، ارائه بینشی علمی، داده‌محور و بی‌طرفانه به سیاست‌گذاران، تحلیل‌گران اقتصادی و عموم مخاطبان است تا درک روشن‌تری از پیامدهای بالقوه چنین سیاست‌هایی بر اقتصاد آمریکا و نظام اقتصادی بین‌المللی حاصل شود. در ادامه، نکات و یافته‌های کلیدی این گزارش مرور خواهد شد. یافته‌های کلیدی گزارش در قالب جدول ذیل خلاصه شده‌اند.

شماره	یافته کلیدی	جزئیات
۱	سود خالص درآمدی از افزایش ۱۵٪ تعرفه (بدون تلافی)	۳/۲ تریلیون دلار در یک دهه پس از کسر تأثیرات اقتصادی
۲	سود خالص درآمدی از افزایش ۱۵٪ تعرفه (با تلافی)	۱/۵ تریلیون دلار در یک دهه به دلیل کاهش صادرات ناشی از تعرفه‌های تلافی‌جویانه
۳	درآمد مستقیم از افزایش ۱۵٪ تعرفه (بدون تلافی)	۳/۹ تریلیون دلار در سال‌های ۲۰۲۵-۲۰۳۴ از تعرفه‌های وارداتی
۴	درآمد مستقیم از افزایش ۱۵٪ تعرفه (با تلافی)	۲/۹ تریلیون دلار در سال‌های ۲۰۲۵-۲۰۳۴، که ۹۰۰ میلیارد دلار به دلیل اثرات جنگ تجاری کاهش یافته است
۵	سود خالص درآمدی از افزایش ۱۰٪ تعرفه (با تلافی)	۱/۶ تریلیون دلار در یک دهه، که بازتاب‌دهنده تأثیر اقتصادی کمتر و تلافی است
۶	سود خالص درآمدی از افزایش ۲۰٪ تعرفه (با تلافی)	۷۹۱ میلیارد دلار در یک دهه، کمترین سود به دلیل انقباض اقتصادی شدید
۷	جبران کاهش درآمد مالیاتی شرکت‌ها (۱۵٪ تعرفه، بدون تلافی)	۲۱۱ میلیارد دلار کاهش به دلیل رشد کندتر و تولید کمتر
۸	جبران کاهش درآمد مالیاتی خانوارها (۱۵٪ تعرفه، بدون تلافی)	۴۹۲ میلیارد دلار کاهش به دلیل کاهش اشتغال و دستمزد واقعی
۹	جبران کاهش درآمد مالیاتی شرکت‌ها (۱۵٪ تعرفه، با تلافی)	۵۲۶ میلیارد دلار کاهش، که به دلیل اثرات جنگ تجاری تشدید شده است

شماره	یافته کلیدی	جزئیات
۱۰	جبران کاهش درآمد مالیاتی خانوارها (۱۵٪ تعرفه، با تلافی)	۹۰۸ میلیارد دلار کاهش، که بازتاب‌دهنده کندی اقتصادی بیشتر است
۱۱	پایه واردات کالا به آمریکا ^۱ (۲۰۲۵)	۳/۴ تریلیون دلار، که پیش‌بینی شده تا سال ۲۰۳۴ به ۴/۶ تریلیون دلار برسد
۱۲	پایه تولید ناخالص داخلی آمریکا (۲۰۲۵)	۳۰/۴ تریلیون دلار، که پیش‌بینی شده تا سال ۲۰۳۴ به ۴۲/۷ تریلیون دلار برسد
۱۳	کاهش واردات آمریکا (۱۵٪ تعرفه، بدون تلافی)	۲٪ از تولید ناخالص داخلی زیر پایه به دلیل افزایش هزینه‌های واردات
۱۴	کاهش واردات آمریکا (۱۵٪ تعرفه، با تلافی)	۵٪ از تولید ناخالص داخلی زیر پایه به دلیل اثرات شدیدتر جنگ تجاری
۱۵	افزایش تورم آمریکا (۱۵٪ تعرفه، بدون تلافی)	۰/۷۵ واحد درصد بالاتر از پایه در سال ۲۰۲۵، که توسط فدرال رزرو تعدیل شده است
۱۶	افزایش تورم آمریکا (۱۵٪ تعرفه، با تلافی)	۱/۶ واحد درصد بالاتر از پایه در سال ۲۰۲۵ به دلیل تشدید جنگ تجاری
۱۷	کاهش تولید ناخالص داخلی واقعی آمریکا (۱۵٪ تعرفه، بدون تلافی)	۰/۶٪ زیر پایه در دو سال، که پس از آن به تدریج بهبود می‌یابد
۱۸	کاهش تولید ناخالص داخلی واقعی آمریکا (۱۵٪ تعرفه، با تلافی)	تقریباً دو برابر و بیش از ۱/۲٪ زیر پایه به دلیل تعرفه‌های تلافی جویانه
۱۹	سهم درآمد نفت و گاز از بودجه فدرال	کاهش به ۲۵٪ در سال ۲۰۲۵، که نشان‌دهنده وابستگی کمتر تاریخی است
۲۰	بخش‌های آسیب‌دیده شدید (۱۵٪ تعرفه)	کشاورزی، معدن، و تولید کالاهای بادوام به دلیل وابستگی به صادرات و نهاده‌های وارداتی

تحلیل‌های کلیدی گزارش عبارتند از:

۱. درآمدهای حاصل از تعرفه‌ها

گزارش تخمین می‌زند که اجرای تعرفه‌های پیشنهادی می‌تواند درآمد قابل توجهی برای دولت فدرال ایجاد کند. به عنوان نمونه، افزایش تعرفه‌ها به میزان ۱۵٪ (در صورت عدم واکنش تلافی جویانه) می‌تواند تا ۳.۹ تریلیون دلار درآمد ایجاد کند. با این حال، در صورت واکنش تلافی جویانه شرکای تجاری، این رقم به طور قابل توجهی کاهش یافته و به حدود ۱.۵ تریلیون دلار می‌رسد. همچنین، تعرفه‌های بالاتر مانند ۲۰ درصد، به دلیل کاهش شدید واردات، سود خالص کمتری در پی دارند.

۱- پایه واردات کالایی به آمریکا که در گزارش «پیامدهای درآمدی تعرفه‌های رئیس‌جمهور ترامپ در سال ۲۰۲۵ برای ایالات متحده» (PIIE Briefing 25-2، آوریل ۲۰۲۵) به آن اشاره شده، به ارزش کل کالاهای وارداتی به ایالات متحده در یک دوره زمانی مشخص (در این مورد، از سال ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۴) اشاره دارد.

(۷۹۱ میلیارد دلار).

۲. پیامدهای کلان اقتصادی

تعرفه‌ها تأثیرات منفی بر شاخص‌های کلیدی اقتصادی دارند. این اقدامات منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری، اشتغال و دستمزدهای واقعی می‌شوند. در کوتاه‌مدت، تورم افزایش می‌یابد و در سناریوی تلافی‌جویانه ممکن است تا ۱.۶٪ افزایش یابد. اگرچه مداخلات فدرال رزرو می‌تواند تورم را مهار کند، اما این سیاست‌های انقباضی به افزایش نرخ بیکاری منجر می‌شوند.

۳. تأثیرات تجاری و ارزی

اجرای تعرفه‌ها باعث کاهش همزمان واردات و صادرات ایالات متحده می‌شود، به طوری که در شرایط تلافی، تجارت بین‌المللی ممکن است تا ۰.۵٪ از تولید ناخالص داخلی کاهش یابد. از سوی دیگر، در غیاب تلافی، دلار تقویت می‌شود و این امر می‌تواند رقابت‌پذیری صادرات را کاهش دهد؛ در حالی که در شرایط تلافی، دلار تضعیف شده و اثرات ترکیبی پیچیده‌ای بر تجارت خارجی به وجود می‌آورد.

۴. پیامدهای بخشی

برخی از بخش‌های اقتصادی آسیب‌پذیری بیشتری در برابر این سیاست‌ها دارند. صنایع کشاورزی، معدن و تولید کالاهای بادوام - به دلیل وابستگی بالا به صادرات و افزایش هزینه نهاده‌ها - بیشترین آسیب را تجربه خواهند کرد.

مطابق این گزارش، درحالی‌که تعرفه‌های پیشنهادی دولت ترامپ در سال ۲۰۲۵ می‌توانند موجب افزایش درآمد دولت شوند، سود خالص آن‌ها به واسطه کاهش رشد اقتصادی و واکنش تلافی‌جویانه شرکای تجاری، به طور قابل ملاحظه‌ای محدود می‌شود. پیامدهای منفی این سیاست‌ها بر تولید ناخالص داخلی، بازار کار، تورم و بخش‌های کلیدی اقتصاد، نیازمند بازنگری جدی در طراحی و اجرای سیاست‌های تجاری محافظه‌کارانه است. یافته‌های این گزارش بر اهمیت تعادل میان درآمدزایی و ثبات اقتصادی کلان تأکید دارند و ضرورت تدوین سیاست‌هایی هدفمند و تطبیق‌پذیر را برجسته می‌سازند.

چشم‌انداز اقتصادی محیط همسایگی ایران

صندوق بین‌المللی پول (IMF) در گزارش تازه خود با عنوان «چشم‌انداز اقتصادی منطقه‌ای:

خاورمیانه، آسیای مرکزی، افغانستان و پاکستان» (MENA و CCA)، به تحلیل تحولات کلان اقتصادی در کشورهای پیرامونی ایران پرداخته است. این گزارش روند رشد اقتصادی، تورم، ترازهای مالی و خارجی، ساختارهای بدهی، سیاست‌های پولی و اثرات شوک‌های ژئوپلیتیکی را در بازه‌ای میان‌مدت بررسی کرده و مجموعه‌ای از سیاست‌های پیشنهادی را برای ارتقای تاب‌آوری اقتصادی و تحقق رشد پایدار ارائه می‌دهد. مهم‌ترین نکات این گزارش عبارت‌اند از:

۱. کاهش رشد منطقه MENA در سال ۲۰۲۴ به ۱.۸٪

رشد اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۲۴ به ۱.۸٪ کاهش یافت (در مقایسه با ۲.۱٪ در سال گذشته). این کاهش عمدتاً نتیجه افت تولید نفت، نوسانات بازار جهانی انرژی، درگیری‌های ژئوپلیتیکی و افت تجارت و سرمایه‌گذاری‌های خارجی بوده است.

۲. پیش‌بینی بهبود رشد به ۲.۶٪ در سال ۲۰۲۵

علیرغم تداوم چالش‌ها، صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده است که رشد منطقه در سال ۲۰۲۵ به ۲.۶٪ برسد. این پیشرفت مشروط به ثبات سیاسی، کاهش تورم و ادامه اصلاحات ساختاری خواهد بود.

۳. تورم منطقه‌ای در سال ۲۰۲۴ به ۱۴.۶٪ رسید

افزایش قیمت غذا، نوسانات ارزی و فشارهای هزینه‌ای موجب شد تا نرخ تورم منطقه MENA در سال ۲۰۲۴ به میانگین ۱۴.۶٪ برسد. با اجرای سیاست‌های پولی انقباضی، انتظار می‌رود این نرخ در سال ۲۰۲۵ به ۱۲.۷٪ و در ۲۰۲۶ به ۱۰.۷٪ کاهش یابد.

۴. کاهش شدید مازاد حساب جاری به ۲.۸٪ از GDP

مازاد حساب جاری منطقه از ۵.۴٪ در سال ۲۰۲۳ به ۲.۸٪ در سال ۲۰۲۴ کاهش یافت؛ عمدتاً به دلیل افت صادرات نفت و کاهش درآمدهای ارزی. این روند می‌تواند فشار بر ذخایر ارزی و نرخ ارز وارد کند.

۵. کسری تراز مالی ۱.۶٪ در سال ۲۰۲۴

پس از تعادل مالی در سال گذشته، در سال ۲۰۲۴ تراز مالی منطقه منفی شد. کاهش درآمدهای نفتی، افزایش یارانه‌ها و هزینه‌های اجتماعی از دلایل اصلی این تحول هستند. پیش‌بینی می‌شود کسری

بودجه در سال ۲۰۲۵ به ۳.۴٪ افزایش یابد.

۶. رشد ۳.۴٪ بخش غیرنفتی در کشورهای صادرکننده نفت

اقتصاد غیرنفتی کشورهای صادرکننده نفت در سال ۲۰۲۴ رشدی معادل ۳.۴٪ داشته است. این رشد حاصل تلاش‌ها برای تنوع‌بخشی اقتصادی، توسعه بخش خدمات، ساخت‌وساز، فناوری، و تقویت تقاضای داخلی بوده است.

۷. کاهش تولید نفت در پی تصمیمات اوپک پلاس

کاهش داوطلبانه تولید نفت از سوی اعضای اوپک پلاس موجب افت رشد نفتی در منطقه شد. با این حال، برخی کشورها با اتکا به بخش‌های غیرنفتی، بخشی از این افت را جبران کردند.

۸. تداوم مازاد مالی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC)

کشورهای GCC علیرغم افت قیمت نفت، در سال ۲۰۲۴ مازاد مالی ۱.۳ درصدی را حفظ کردند. مدیریت بهینه هزینه‌ها، سیاست‌های مالی پایدار و حفظ مازاد درآمدهای نفتی، به ثبات مالی این کشورها کمک کرده است.

۹. کاهش نسبت بدهی عمومی در کشورهای واردکننده نفت

کشورهای واردکننده نفت موفق شده‌اند نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی را بیش از ۹ واحد درصد کاهش دهند. این موفقیت نتیجه اصلاحات مالی، حذف بخشی از یارانه‌ها و رشد پایدار اقتصادی بوده است.

۱۰. افزایش مصرف خصوصی در آسیای مرکزی

در کشورهایی مانند تاجیکستان و ازبکستان، مصرف داخلی به دلیل رشد دستمزدهای واقعی، افزایش حواله‌های ارزی و گسترش اعتبارات بانکی، رشد چشم‌گیری داشته است. این روند، موتور محرک رشد اقتصادی در آسیای مرکزی تلقی می‌شود.

۱۱. تثبیت تورم در آسیای مرکزی

اکثر کشورهای آسیای مرکزی - به جز ترکمنستان و قزاقستان - موفق شده‌اند تورم را مهار کرده و به محدوده هدف بازگردانند. این موفقیت نتیجه اجرای سیاست‌های پولی انقباضی، کنترل قیمت کالاهای

اساسی و مدیریت نرخ ارز بوده است. کنترل تورم، قدرت خرید خانوارها را افزایش داده و به بهبود رفاه اجتماعی کمک کرده است.

۱۲. رشد اقتصادی فراتر از انتظار در آسیای مرکزی

در سال ۲۰۲۴، رشد اقتصادی آسیای مرکزی به ۵.۴٪ رسید که بالاتر از پیش‌بینی‌های قبلی بود. زیرساخت‌سازی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت تقاضای داخلی محرک‌های اصلی این رشد بوده‌اند. همچنین، برخی کشورها با بهره‌گیری از روابط اقتصادی گسترده‌تر با روسیه، منافع مثبتی کسب کرده‌اند.

۱۳. تثبیت تولید هیدروکربن‌ها و تمرکز بر تنوع بخشی

تولید نفت و گاز در کشورهای آسیای مرکزی به سطحی ثابت رسیده و ظرفیت رشد آتی آن محدود شده است. در نتیجه، تمرکز سیاست‌گذاری‌ها به سمت توسعه بخش‌های غیرنفتی مانند صنعت، کشاورزی و فناوری اطلاعات معطوف شده است. تنوع بخشی اقتصادی یک اولویت کلیدی برای پایداری رشد در این منطقه محسوب می‌شود.

۱۴. اثرات منفی شوک‌های ژئوپلیتیکی بر رشد تولید

تحلیل‌های مدل محور صندوق نشان می‌دهد که شوک‌های ناشی از نااطمینانی ژئوپلیتیکی می‌توانند در یک بازه دوساله، به طور متوسط تولید ناخالص داخلی کشورها را تا ۲.۵٪ کاهش دهند. این پدیده هم در منطقه MENA و هم در آسیای مرکزی مشاهده شده و نیازمند ساختارهای حکمرانی مقاوم و سیاست‌گذاری انعطاف‌پذیر است.

۱۵. نیازهای بالای تامین مالی عمومی در برخی کشورها

کشورهایی چون مصر، تونس و پاکستان با چالش‌های جدی در مدیریت بدهی عمومی مواجه‌اند. بدهی‌های کوتاه‌مدت بالا، هزینه‌های سنگین بهره‌ها محدودیت در دسترسی به منابع مالی خارج‌جیفضای تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران را به شدت محدود کرده است. صندوق بین‌المللی پول بر ضرورت اجرای فوری اصلاحات مالی تاکید دارد.

۱۶. تخصیص ۱۴.۸ میلیارد دلار کمک مالی از سوی IMF

از آغاز سال ۲۰۲۴، صندوق بین‌المللی پول بیش از ۱۴ میلیارد دلار از طریق ابزارهایی مانند EFF

(تسهیلات مالی توسعه‌یافته)، RSF (ابزار تاب‌آوری و پایداری)، و PCT (ابزار سیاست‌گذاری و هماهنگی) به کشورهای نظیر مصر، اردن، پاکستان و تاجیکستان اختصاص داده است. موفقیت این برنامه‌ها به پایبندی دولت‌ها به تعهدات اصلاحی وابسته است.

۱۷. بحران شدید ناامنی غذایی در کشورهای شکننده

در کشورهای نظیر یمن، افغانستان و سودان، ناامنی غذایی به مرحله اضطراری رسیده است. نوسانات شدید قیمت جهانی غذا و بحران‌های داخلی امنیت غذایی را تهدید کرده‌اند. کمک‌های بشردوستانه و حمایت‌های بین‌المللی، تنها منبع امید برای این کشورها محسوب می‌شوند.

۱۸. دوام نرخ‌های بهره بالا و مخاطره اعتباری سنگین

کشورهایی با بدهی عمومی بالا، مانند مصر، تونس و پاکستان، همچنان با نرخ‌های بهره بالا و اسپردهای اعتباری (فاصله بین بازدهی‌های بهره اوراق قرضه) گسترده مواجه‌اند. این وضعیت بیانگر بی‌اعتمادی بازارهای مالی به توان بازپرداخت این کشورهاست و دسترسی به تامین مالی خارجی را دشوارتر و پرهزینه‌تر کرده است.

۱۹. تهدید حمایت‌گرایی جهانی برای تجارت منطقه‌ای

افزایش تعرفه‌ها و سیاست‌های حمایت‌گرایانه در سطح جهانی، فرصت‌های صادراتی کشورهای منطقه را محدود کرده است. به ویژه کشورهایی که صادرات آن‌ها به تعداد محدودی از شرکای تجاری وابسته است، بیشترین آسیب را می‌بینند. در چنین شرایطی، تنوع‌بخشی بازارهای صادراتی و انعقاد توافق‌نامه‌های تجاری جدید ضروری است.

۲۰. اصلاحات ساختاری، شرط لازم برای تاب‌آوری اقتصادی

صندوق بین‌المللی پول تأکید دارد که تاب‌آوری در برابر بحران‌های آینده مستلزم اجرای اصلاحات ساختاری گسترده است. این اصلاحات باید حوزه‌هایی مانند نظام مالیاتی، حکمرانی، شفافیت بودجه‌ای و دیجیتالی‌سازی را در بر گیرد. در غیر این صورت، شکاف توسعه‌ای منطقه با سایر مناطق جهان افزایش خواهد یافت.